خراسان بزرگ: سال ششم، شماره (۱۸)، بهار ۱۳۹۴
Quarterly bulletin of Greater Khorasan:Vol.6, No.18, Spring 2015

تاثیر مولفه های کالبدی بر احساس امنیت در فضاهای عمومی (محله آبکوه شهرمشهد)

محمد رحیم رهنما [1]
نگار حسینیان [2]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۷/۲۱
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۹/۱۱
شماره صفحات: ۷۹- ۶۱

چکیده

در فرآیند رشد سریع شهری، برخی روستاها واقع در پیرامون شهر بدون تغییر در کالبدشان، در بافت شهری مستحیل می گردند. عدم انطباق فرم و عملکرد در بافت چنین محلاتی منجر به شکل گیری فضاهای عمومی ناموفق شده که زمینه ساز احساس عدم امنیت می باشد. اهیمت و ضرورت تحقیق بر این پایه استوارست که بهبود ویژگی های کالبدی فضاهای عمومی در بافتهای روستایی مستحیل در شهرها می تواند منزلت اجتماعی را به واسطه ی افزایش احساس امنیت ارتقا دهد. هدف اصلی این پژوهش، سنجش رابطه بین مولفه های کالبدی و احساس امنیت در فضاهای عمومی بر مبنای جنسیت در محله آبکوه مشهد می باشد. جامعه آماری مشتمل بر افراد ساکن و رهگذر از استخوابندی اصلی محله می باشد و حجم نمونه برابر با ۷۳ نفر در نظر گرفته شده است. روش تحقیق توصیفی- تحلیلی بوده و تحلیل داده ها با ترکیب روشهای آزمون خی - دو پیرسون و اسپیرمن در چارچوب کمی انجام شده است. احساس امنیت به عنوان متغیر وابسته و مولفه های کالبدی نظیر نفوذپذیری، عقب نشینی در بافت و انحنا در مسیر به عنوان متغیرهای مستقل مدنظر قرار گرفته اند. نتایج پژوهش نشان می دهد که احساس امنیت با بالاترین درجه همبستگی معکوس به ترتیب با متغیرهای نزدیکی تقاطع ها، عقب نشینی ها و جلوآمدگی در بافت و عرض کم محور رابطه معناداری دارد. لذا می توان با اقدامات کالبدی، در بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری، احساس امنیت را به مناطقی که روزگاری بخش مهمی از هویت شهرها را تشکیل می داده اند، باز گرداند.

کلید واژه ها:
فضای عمومی، مولفه های کالبدی، احساس امنیت، ادراک امنیت، محله آبکوه

۱- دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه فردوسی مشهد rahnama@um.ac.ir
۲- نویسنده مسئول؛ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه فردوسی مشهد
n.hosseinian41@yahoo.com

۱- مقدمه

بسیاری از کارشناسان وجود امنیت در یک جامعه به همان اندازه مهم می دانند که احساس امنیت در آن جامعه را و چه بسا احساس امنیت در جامعه مهم تر از وجود امنیت باشد (افشانی وذاکری،۱۴۷:۱۳۹۱). در صورت فقدان احساس امنیت، انسانها در روابط اجتماعی خود با دیگران دچار شک و تردید می شوند و از برقراری روابط اجتماعی با دیگران پرهیز می کنند. بر اثر تداوم چنین شرایطی سرمایه اجتماعی رو به زوال می رود و در دراز مدت پیامدهای منفی بسیاری بر جامعه انسانی میگذارد (احمدی و کلدی، ۱۳۹۱: ۳). بدین معنی که احساس امنیت یا عدم امنیت در یک بخش از زندگی، می تواند حوزه های دیگر زندگی را تحت تاثیر قرار دهد، همچنین این احساس می تواند به وسیله کنش های متقابل افراد به دیگر اقشار و یا بخش های جامعه سرایت کند (هزارجریبی و حامد، ۱۳۹۱: ۳۴).
براین اساس می توان گفت به میزانی که افراد جامعه از امکانات مختلفی چون آموزش، بهداشت، رفاه، آزادی و غیره بهره مند گردند، احساس خشنودی از تعلق به چنین جامعه ای داشته و دلبستگی میان آنها تقویت شده و در نتیجه احساس امنیت آنها افزایش خواهد یافت. بنابراین هر عامل و پدیده ای که باعث ایجاد اختلال در احساس تعلق و همبستگی اعضاء یک گروه گردد، در واقع هویت آن گروه را به مخاطره انداخته و تهدیدی برای امنیت اجتماعی آن قلمداد میگردد (نبوی و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۶).

امنیت در بافتهای فرسوده علیرغم وجود انسجام محله‌ای و بافت اجتماعی قوی، بواسطه موقعیت شهری خاص آن در میان سایر پهنه‌های شهری، رها شدن بافت‌های فرسوده در دل شهرها و تاثیر گسترش کالبدی شهر بر آن موضوعی واجد اهمیت است. اکثر بافتهای فرسوده و ناکارآمد شهری در ایران به رغم آنکه روزگاری بخش مهمی از هویت شهرها را تشکیل می دادند و دارای ریشه های سکونتی ارزشمند بعضاً با غنای فرهنگی یا اجتماعی بودند که بتدریج به مناطقی ناامن ومخروبه بدل شدند و گاه هویت شهرها را با مشکل مواجه کرده اند. این موضوع ریشه در تحرک اجتماعی و تغییر پایگاه طبقاتی در شهرهای بزرگ دارد و در بیشتر مواقع، سازمان شکنی اجتماعی و تغییر ساختار سنتی را به همراه دارد که ناشی از عدم توجه به نقش جریان جامعه پذیری است. به طوریکه اگر در فرآیند گسترش افقی شهر و مستحیل شدن روستاهای پیرامون، همسازی با هنجارهای جامعه شهری به درستی صورت نپذیرد، تعارضات اجتماعی- اقتصادی در این بافت ها بروز نموده و عدم تغییر ساختار کالبدی روستاها نیز بر این مشکلات دامن میزند.
ساختار کالبدی و عملکرد آن، نحوه پیوند و ارتباط بافت را با شهر مشخص می نماید. بانگاهی گذرا به وضعیت کنونی بافت قلعه آبکوه می توان مسائلی چون فرسودگی بافت، ناکارآمدی خدمات درون بافت، سطح پایین معیشت، عدم وجود امکانات و خدمات مناسب شهری قابل رویت می باشد. بعلاوه شبکه معابر و گذرهای ارتباطی و کوچه های باریک و پر پیچ و خم داخل بافت، بخش عمده ای از فضاهای عمومی درون بافت را تشکیل می دهد. لازم به ذکرست، عدم تجهیز این فضاها به دلیل ساختار ارگانیکی بافت محله، باعث ایجاد کنج های تعریف نشده و عدم رویت پذیری مناسب آنها شده که زمینه بروز احساس ناامنی در محله را ایجاد نموده است. لذا از آنجاییکه مسئله احساس امنیت در فضاهای عمومی که فعالیت های معمول در زندگی شهری در آن ها به وقوع می پیوندد، بسیار واجد اهمیت است، هدف این مقاله، تبیین رابطۀ مولفه های کالبدی با احساس امنیت در فضای عمومی بر مبنای جنسیت است و پرسش اصلی مقاله چنین تنظیم می شود "احساس عدم امنیت تا چه حد از بستر کالبدی محلات تاثیر می پذیرد؟". مقاله طبق روال پژوهش آزمون فرضیات، نخست به بیان نظریه های معتبر پرداخته و سپس در راستای نظریه های گفته شده، فرضیۀ اصلی پژوهش را تدوین می نماید و در نهایت به روش کمی و با استفاده از آزمون های آماری به رد یا قبول فرضیه می پردازد. نتیجه گیری نشان می دهد که نتایج حاصل از این پژوهش از کدام یک از نظریات گفته شده حمایت می کند تا از این طریق بتواند این دانش را به سایر محلات با بستر و ساختار کالبدی مشابه بسط دهد.

۲- طرح مسئله

امنیت یکی از نیازهای اساسی انسان و از شاخص های توسعه است و تامین نظم و امنیت به خودی خود برای حیات جوامع از اهمیت فراوانی برخوردار بوده است(هزارجریبی و حامد، ۱۳۹۱: ۳۴). احساس ناامنی در جامعه باعث می شود که افراد از حوزه عمومی کناره گیری کرده و زندگی و فعالیت های خود را در ترس و انزوا ادامه دهند (حسنوند، ۱۳۹۰: ۶۰). بعلاوه ممکن

است در درازمدت اثرات نامطلوبی بر کیفیت زندگی و بهره وری اقتصادی و اجتماعی افراد داشته باشد (جمالی و شایگان، ۱۳۹۰: ۹۶). بعلاوه در گذشته افراد در محله ها یکدیگر را می شناختند به طوریکه پیوندهای قومی، زبانی، مذهبی و فرهنگی، آنان را به هم پیوند می داد و ضریب اعتماد اجتماعی و در نتیجه احساس امنیت در بین همسایه ها و هم محله ای ها بالا بود. امروزه با گسترش شهرها و از میان رفتن مرز محله ها، مسئله احساس امنیت در عرصه های عمومی محلات یکی از معضلات عمده در برنامه ریزی کلانشهرها به شمار می رود (صدیق سروستانی و نیمروزی، ۱۳۸۹: ۱۸۷).

اولین گام برای دستیابی به عرصه ی عمومی که ضامن تحقق جامعهٔ مدنی است، تشویق مردم به حضور در فضای عمومی و یا فراهم نمودن دسترسی برابر همهٔ افراد و گروه ها به آن است. یکی از مهم ترین عوامل تهدیدکننده ی حضور مردم، ترس از بزه، مورد تعرض قرار گرفتن یا رفتارهای غیرمدنی و مورد خشونت واقع شدن است. جرم و خشونت یکی از موانع حضور مردم در فضای شهری محسوب شده که تاثیر آن در غالب بروز احساس عدم امنیت نمایان می گردد (مدیری، ۱۳۸۵: ۱۲-۱۳). اهمیت مطالعه در خصوص عوامل مؤثر بر احساس امنیت نیز از این جا ناشی می شود که بدون شناخت عوامل مؤثر، تأمین احساس امنیت اجتماعی به نحوی که زمینه ساز حضور عموم افراد در سطح جوامع باشد، امکانپذیر نخواهد بود (نبوی و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۵).

لذا در هر جامعه ای تا جایی که ممکن است باید عوامل موثر بر افزایش احساس امنیت شناخته و تقویت شوند. این موضوع در جوامع با بافت و ساختار در هم پیچیده ی اجتماعی اهمیت بیشتری می یابد. از جمله این جوامع می توان به روستاهایی اشاره نمود که در فرآیند رشد و توسعه با حفظ ساختار کالبدی سابق شان در بافت شهری مستحیل گشته اند. قلعه آبکوه که در گذشته روستایی فعال و پر جمعیت بوده، اکنون به عنوان یک بافت فرسوده در متن بافت اصلی شهر مشهد قرار گرفته است. قلعه آبکوه در فرآیند گسترش کالبدی شهر مشهد و در گذر زمان، به تدریج به محله ای از این شهر بدل گردیده است. در حالیکه این محله، هنوز از نظر فرهنگی و شیوه معیشت آمادگی پذیرش هنجارهای جدید را نداشته و به علت عدم تطابق با وضعیت اجتماعی و فرهنگی محلات نوساز مجاور ، زمینه های شکل گیری آسیب های شهری را فراهم ساخته است. به طوریکه هنوز مرحله گذار را طی میکند و موجبات بروز مشکلات و معضلات اجتماعی - اقتصادی را فراهم نموده و از منظر آسیب شناسی شهری جز مناطق بحران زا به شمار می رود.

وجود بناهایی با قدمت بالا و مصالح با کیفیت پایین به لحاظ کالبدی باعث افتراق شدید بافت فرسوده قلعه آبکوه از بافت های تازه تاسیس و برنامه ریزی شده اطرافش شده است. این عامل زمینه ساز استقرار جمعیتی با توان کم اقتصادی در بافت فرسوده قلعه آبکوه و در نتیجه باعث کاهش کیفیت محیط شده است. از طرفی به دلیل اینکه اغلب قطعات موجود در این بافت فاقد سند بوده و قادر به گرفتن پروانه نیستند، لذا ساختار کالبدی آن همان الگوی ارگانیک روستایی خود را حفظ کرده است. این نوع ساختار کالبدی خود زمینه ساز بروز جرم و خشونت بوده و عاملی در تشدید احساس ناامنی در عرصه های عمومی محله می باشد. به طوریکه عده ای از ساکنان که از توانایی مالی برخوردار بوده اند محله را ترک کرده اند و عده ای که باقی مانده اند نه توانایی ساخت و ساز و نه توانایی ترک محله را دارند، همچنین گروههای مهاجر و با توان اقتصادی پایین تا حدی جایگزین افراد بومی محله شده اند. بنابراین رکود و فرسودگی بافت محله امری طبیعی و دائمی شده و زندگی اجتماعی ساکنان را با خطرات جدی مواجه نموده است. وجود فضاهای خالی و رها شده، عقب نشینی ها و کنج های تاریک، کوچه های باریک و پر پیچ و خم در ساختار کالبدی بافت قلعه آبکوه، زمینه ساز بروز احساس ناامنی در این محله شده است که می توان با شناخت مولفه های کالبدی بافت و در نظر گرفتن تمهیداتی جهت اصلاح کالبدی آن، در حالیکه پیوندهای اجتماعی محله حفظ گردد، احساس امنیت را ارتقا داد. این مقاله به همین منظور و در جهت شناخت تأثیر مولفه های کالبدی بر میزان احساس امنیت افراد در فضاهای عمومی محله آبکوه انجام می شود و نتیجه آن می تواند در افزایش احساس امنیت اجتماعی از منظر ساکنین محله و رهگذران موثر واقع گردد.

۳- اهداف و فرضیه های تحقیق

هدف کلی از انجام این تحقیق، شناخت تأثیر برخی عناصر کالبدی بر احساس امنیت اجتماعی است که به اهداف جزئی ذیل تقسیم میشود:

هدف ۱: شناخت ادراک افراد از تاثیر عوامل کالبدی بر احساس امنیت در محله

برای رسیدن به این هدف، پنج فرضیه زیر در طی تحقیق تحت آزمون قرار گرفته اند.

فرضیه نخست: بین عقب نشینی و جلو آمدگی درون بافت محله و احساس امنیت رابطه وجود دارد.

فرضیه دوم: بین میزان نفوذپذیری بافت محله و احساس امنیت رابطه وجود دارد.

فرضیه سوم: بین عرض خیابانها در بافت محله و احساس امنیت رابطه وجود دارد.

فرضیه چهارم: بین نزدیکی تقاطع ها در مسیر خیابان و احساس امنیت رابطه وجود دارد.

فرضیه پنجم: بین میزان رویت پذیری خیابانها در بافت محله و احساس امنیت رابطه وجود دارد.

هدف ۲: شناخت ادراک افراد از احساس امنیت در محله براساس جنسیت

هدف ۳: شناخت ادراک افراد از احساس امنیت در خیابان براساس جنسیت

جهت رسیدن به این اهداف، دو فرضیه مطرح شده که در طی تحقیق مورد آزمون واقع شده اند.

فرضیه نخست: بین جنسیت و احساس امنیت در محله رابطه وجود دارد.

فرضیه دوم: بین جنسیت و احساس امنیت در خیابان رابطه وجود دارد.

٤- مبانی نظری تحقیق

٤-١- امنیت

در یک کاوش تبار شناسانه مفهوم امنیت را می توان دارای قدمتی طولانی تر از مفهوم اجتماع و جامعه دریافت (پوریان ،۱۳۸۹: ۱۶۶-۱۶۷). امنیت از نیازها و انگیزه های اساسی انسان بشمار می رود، به گونه ای که با زوال آن آرامش خاطر انسان از بین می رود و تشویش، اضطراب و نا آرامی جای آن را میگیرد و مرتفع شدن نیز در بسیاری از نیازهای آدمی در گرو تأمین امنیت است (احمدی و کلدی، ۱۳۹۱: ۲). به عبارت دیگر از آنجاییکه امنیت و احساس امنیت از نیازهای اساسی انسان است، نیازهای والاتر و متعالی تر آدمی زمانی مجال ظهور و رشد می یابند که این نیاز برآورده شده باشد (جمالی و شایگان، ۱۳۹۰: ۹۷). امنیت را می توان مترادف با در امان بودن، ایمنی، آرامش، اسودگی و خاطر جمعی دانست که با ترس، بیم و هراس در تضاد است. لذا زمانی تحقق پیدا خواهد نمود که از عوامل و اثرات ترس و وحشت و اضطراب نتوان نشانه ای به دست آورد (احسانی فرد و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۱۸).

امنیت از مقوله ها و نیازهای اساسی انسان است که با زوال آن آرامش خاطر انسان مختل شده و نگرانی و اضطراب جای آن را می گیرد. مازلو در نظریه سلسله مراتبی نیازهایش، احساس امنیت را بلافاصله بعد از ارضای نیازهای اولیه انسانی مطرح می کند. از این لحاظ هر جامعه ای می بایست در جهت برخورداری از فرصتها و منابع اجتماعی و فرهنگی به تأمین امنیت بپردازد (زارع شاه آبادی و ترکان،۱۳۹۰: ۱۳۴). امروزه امنیت از شاخصه های کیفی زندگی در شهرهاست و آسیب های اجتماعی از مهم ترین پیامد های عدم امنیت به شمار می رود (کمالی، ۱۳۹۰: ۷۵).

٤-٢- احساس امنیت

امنیت در زندگی فردی و اجتماعی انسان ها نقشی مهم و کلیدی ایفا می کند و فقدان آن و یا اختلال در آن پیامدها و بازتاب های نگران کننده و خطرناکی به دنبال دارد، لکن احساس ناامنی از خود ناامنی بدتر است. نگرانی های ناشی از ترس از جرم و جنایت، قربانی شدن، احساس خطر در سطح شهر، محله، محیط کار، مکان ها و فضاهای عمومی و .... همگی از نشانه های احساس ناامنی هستند (زارع شاه آبادی و ترکان، ۱۳۹۰: ۱۳۵). احساس ناامنی تأثیرات روا نشناختی گسترده ای شامل اضطراب، بی اعتمادی، احساس بیگانگی، انزوا و عدم رضایت از زندگی ایجاد می کند (جمالی و شایگان، ۱۳۹۰: ۹۷).

امنیت دارای ابعاد عینی و ذهنی است که از بُعد ذهنی آن به نام احساس امنیت یاد می شود. در بعد ذهنی مراد از امنیت، احساس آرامش و یا عدم احساس تهدید و عدم احساس ترس ناشی از آن از سوی محیط های دور و نزدیک فرد است (پوریان، ۱۳۸۹: ۱۶۷). امنیت روانی و احساس امنیت در هر جامعه ای از اساسی ترین و مهم ترین بحث ها می باشد که باید توسط نهادهای مختلف ایجاد شود (جمالی و شایگان، ۱۳۹۰: ۱۰۰).

احساس امنیت ناشی از ارضای نیازها و تحقق اهداف، از جمله عواملی اساسی است که رضایت از زندگی ر ا در بین افراد جامعه گسترش می دهد. بدین ترتیب شاید بتوان امنیت را محور اصلی شاکله نیازمندی های انسان دانست که با دیگر نیازمندی های اولیه او، مانند خوراک، مسکن و ... ارتباط مستقیمی دارد (هزار جریبی و صفری شالی، ۱۳۸۸: ۸-۹). احساس امنیت، پدیدهٔ روان شناختی - اجتماعی است که دارای ابعاد گوناگون می باشد. این احساس ناشی از تجربه های مستقیم و غیرمستقیم افراد از شرایط و اوضاع محیط پیرامونی است و افراد مختلف به صورت های گوناگون آن را تجربه می کنند. به لحاظ روش شناسی، احساس امنیت سازهٔ چندبعدی و در ارتباط با شرایط اجتماعی و افراد مختلف به گونه های متفاوت ظهور یافته و به اشکال مختلف نیز قابل سنجش و اندازه گیری است (تاجران و کلالی، ۱۳۸۸: ۵۶۴). بنابراین، احساس امنیت را می توان در امان بودن یا در امان حس کردن خود از تهدید، صدمه، آسیب و یا خطر تعریف نمود (پوریان، ۱۳۸۹: ۱۶۸).

بعلاوه احساس امنیت یکی از شاخص های کیفیت زندگی در شهرها است و آسیب های اجتماعی از مهمترین پیامد های مختلف امنیت به شمار می روند (احسانی فرد و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۱۸). احساس امنیت را می توان این گونه تعریف کرد: «احساس آزادی نسبی از خطر» و عبارت است از نوعی ذهنیت و جهت گیری روانی مثبت (رضایت بخش، قانع کننده و آرام بخش) شهروندان نسبت به عدم تاثیرگذاری حضور و بروز رویدادها و وقایع ضدامنیتی در شرایط فعلی و آتی (تاجران و کلالی، ۱۳۸۸: ۵۶۴). این مفهوم بیشتر در ارتباط با ادراک است، مردم در تلاش هستند که به احساس امنیت در ارتباط با چگونگی فهم یا تجربه آنها از جرم و خشونت پاسخ دهند. امنیت یک معضل فردی است که ۲ جنبه اصلی شامل نگرانی و ترس دارد (Hopkins, 2002: 18). احساس امنیت اجتماعی، هر گونه نگرانی از تهدید، ترس از حضور در خیابان به ویژه در شب، عدم اعتماد به غریبه ها و غیره را شامل می شود. بولن و اونیکس احساس امنیت را میزان آسودگی و آرامش مردم در خانه های خود و یا قدم زدن در کوچه و خیابان شهر در طول شبانه روز بدون احساس ترس تعریف می نمایند (زارع شاه آبادی و ترکان، ۱۳۹۰: ۱۳۴-۱۳۵).

در سطح فردی احساس امنیت در یک جامعه به احساس روانی شهروندان از میزان یا عدم وجود جرم در آن جامعه برمی گردد و هر چه میزان فراوانی جرم بالاتر باشد احساس امنیت پایین تر است. ولی این احساس ناامنی صرفاً منبعث از عدم وجود امنیت در یک جامعه نخواهد بود. ممکن است در یک جامعه امنیت وجود داشته باشد لیکن شهروندان در آن احساس امنیت نداشته باشند و بالعکس (تاجران و کلالی، ۱۳۸۸: ۵۶۵). یکی از مسائل و مباحث درباره ی وجود احساس ناامنی، نبود الگوی جامع و بهینه برای ارتقاء امنیت اجتماعی میباشد لذا با شناخت علل و اسباب ایجاد احساس امنیت و دستکاری عوامل کاهنده و فزاینده ی آن میتوان به سطح قابل قبولی از احساس امنیت اجتماعی در جامعه نایل آمد (نبوی و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۵).

٤-۳- احساس امنیت بر مبنای جنسیت:

طبیعی است که همه گروه ها به یک میزان از ناامنی حاکم بر جامعه آسیب نمی بینند، فرض آسیب پذیری بر آن است که افرادی که (زنان وکودکان) خود را بیشتر آسیب پذیر می دانند به مراتب بیشتر از بقیه احساس ناامنی می کنند (جمالی و شایگان،:۱۳۹۰: ۹۷). احساس آسیب پذیری به همراه کاهش کنترل فرد بر اوضاع، احساس ناامنی را به دنبال می آورد. معمولاً دو عامل جنسیت و وضعیت اقتصادی در احساس آسیب پذیری مؤثر می باشند(حسنوند، ۱۳۹۰: ۶۲-۶۳). در رویکرد آسیب پذیری، جنسیت بیشترین قابلیت را برای توضیح و پیش بینی احساس ناامنی دارد. مطالعات بسیاری رابطه ی بین این دو پدیده را تایید کرده و نشان داده اند که معمولا زن ها بیشتر از مردها احساس ناامنی می کنند. بسیاری از مطالعات یاد شده به دنبال پاسخ گویی به این پرسش بوده اند که چرا زنان بیش از مردان ابراز ترس می کنند و حال آنکه مطابق آمارهای رسمی مربوط به امنیت و جرم و همچنین «پیمایش های بزه دیدگی» زنان کمتر از مردان با خطرات ناشی از جرم و ناامنی روبرو هستند (افشانی وذاکری، ۱۳۹۱: ۱۵۱). بنابراین علت ترس بیشتر زنان و در نتیجه احساس ناامنی بیشتر را باید در آسیب پذیری بیشتر فیزیکی و اجتماعی آنها جستجو کرد (همان، ۱۳۹۱: ۱۵۲-۱۵۳). به همین دلیل باید سعی شود عواملی که در جهت افزایش احساس امنیت زنان برای حضور بیشتر و فعال تر در جامعه تأثیرگذار هستند شناسایی و تقویت شوند (جمالی و شایگان، ۱۳۹۰: ۹۷).

٤-٤- احساس امنیت در محله:

وجود امنیت عمومی برای احساس رفاه و امنیت در هر محله ای حیاتی است (Kimber, 2009: 4). امنیت محله معضل پیچیده ای است که به شکل قوی وضعیت کلی محلات را به واسطه ی کیفیت خدمات رسانی تحت تاثیر قرار می دهد. اهمیت امنیت محله با نگرانی های عمومی، ممانعت از وقوع جرم و کاهش آن در ارتباط است و می تواند باعث کاهش سطوح رفتارهای ضد اجتماعی و بی نظمی گردد (Lawrence, 2006: 48). امنیت محله یکی از برترین دارایی های محله است. از آنجاییکه امنیت محله با احساس امنیت شخصی مردم و احساس راحتی آنها در مکان هایی که زندگی و کار می کنند و وقت آزاد خود را می گذرانند در ارتباط است، این مفهوم بر چگونگی ارزشیابی مردم از محلاتشان تاثیر می گذارد و به عنوان بخش اصلی آن چیزی که از محله، یک مکان خوب برای زندگی می سازد تعریف می شود (Lawrence, 2006: 27). علاوه بر پاکیزگی، کیفیت محیط کالبدی و احساس امنیت از جمله مسائل کلیدی برای مردم در محلاتشان است (Kimber, 2009:5). بنابراین احساس امنیت بر درک نوع وشدت مشکلات محلی، ترس از جرم و همچنین به صورت خاص ادراک جرم تاثیر گذار است (Bridgewater Police Department, 2007: 44).

٤-٥- کیفیات محیط کالبدی و احساس امنیت

حس مکان و احساس تعلق افراد به آن، یک رابطه دوسویه با احساس امنیت در شهرها دارد. افزایش امنیت درشهرها افزون بر مزایایی چون تقویت هویت، سرزندگی، کارایی و زیبایی فضا، مزایای اقتصادی نیز به همراه دارد. فضاهای امن که مردم در آن حضور قوی دارند برای سرمایه گذاری و کسب و کار جذاب تر بوده و در نتیجه از نظر مالی دارای ارزش و تقاضای بیشتری خواهند بود و بالعکس فضاهای ناامن، مرده و خطرناک به تدریج و هرروز بیش از روز قبل دافع مردم و سرمایه گذاران خواهد بود. تأمین امنیت در فضاهای شهری تنها حرکت یک طرفه و از بالا به پایین نیست، بلکه با افزایش حس مشارکت مردمی و استفاده از تدابیر طراحی شهری می توان امکان سهولت مداخله ی مردم به منظور ارتقاء امنیت و ایجاد فضاهای امن در شهرها را فراهم نمود (حسینیون،۱۳۸۶: ۸۸). مشارکت شهروندان در حفاظت از خیابانهای شهری می تواند منجر به ایجاد نظارت اجتماعی گردد، و آن نیز به نوبه خود باعث بهبود وجهه اجتماعی فضا و افزایش امنیت می گردد و افزایش امنیت نیز منجر به حضور هر چه بیشتر شهروندان شده و این چرخه تکاملی همچنان ادامه می یابد (پاکزاد، ۱۳۸۳: ۱۵).

امنیت اجتماعی و به طور خاص احساس امنیت، با فضا و ساخت و ساز در ارتباط مستقیم می باشد، فضایی با طرح و کالبد نامناسب زمینه ساز انواع آسیب هاست و این فضاها، تبدیل به فضایی بی دفاع برای زنان و تهدید کننده امنیت اجتماعی می شود. بسیاری از صاحبنظران بر این عقیده اند که با دستکاری کالبدی فضاها و تلطیف آن می توان احساس امنیت را ایجاد نمود و بدین ترتیب حضور پذیری افراد در فضای شهری را افزایش داد (ذوقی تنکابنی، ۱۳۸۸: ۴۲). بدین معنی که محیط ساخته شده می تواند با خلق فضایی دوستانه و با کیفیت، مردم را از طریق ایجاد احساس امنیت به خیابان دعوت نماید (Gehl, 2000: 62). به اعتقاد اسکار نیومن محیط کالبدی می بایست دارای خصوصیاتی مانند مکانیزم های نمادین، مرزها و سلسله مراتبی تعریف شده از عرصه های خصوصی تا عمومی باشد تا پهنه های مختلف درک و دانسته شود. بعلاوه وی بر این باور ست که با استفاده از ساز وکارهای نمادین جهت شکل دادن عرصه های تعریف شده، می توان یک محیط را تحت کنترل ساکنانش قرار داد (مدیری، ۱۳۸۵: ۱۶-۱۸).

از جمله این اقدامات کالبدی می توان به مواردی نظیر، پرهیز از ایجاد گوشه های تاریک و مخفی، روشنایی متناسب با حرکت پیاده ها، پراکندگی مناسب نقاط فعال و روشن در طول خیابان شهری، استقرار واحد های مسکونی در برخی نقاط مسیر به خصوص در طبقات فوقانی بدنه ها به دلیل اینکه حیات دائمی که دارند به عنوان سیاست های ایجاد امنیت در خیابان های شهری اشاره نمود (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۲۳). این گونه اقدامات در حوزه فعالیتهای طراحی شهری امری ضروری می باشد زیرا نبود حس امنیت و مطلوبیت فضایی باعث خواهد شد که استفاده کننده از فضا دست به تخریب فضا و عناصر آن (وندالیسم) زده و حتی در مواردی خود فضا باعث ایجاد و شکل گیری جرم گردد (ذوقی تنکابنی، ۱۳۸۸: ۲۱). در ادامه به توضیح برخی از مهمترین اقدامات کالبدی در زمینه افزایش احساس امنیت می پردازیم.

٤-٥-١- نظارت طبیعی در مقیاس محلی

به عقیده جیکوبز نظارت و مراقبت دائم توسط کسانی که مالکین طبیعی خیابان هستند صورت می گیرد (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۱۱). از طرفی در مقیاس محلات شهر، نظارت محلی، رفت و آمد ساکنین محلات همجوار، عامل افزایش ایمنی اجتماعی این گونه فضاهاست. از این رو تقویت سکونت محلی و وجود ساختمان های سکونتی در ترکیب کاربری های همجوار با این فضاها، ضرورت افزایش امنیت اجتماعی در فضای شهری است. در این راستا نظارت همسایه ها، کسبه محل، آمد و شد به فضای بازی در کوچه ها و فراهم آوردن امکان حضور ایمن، آسوده و مفرح ساکنین و خانواده ها در فضاهای بیرونی، موضوع مهم نظارت محلی بر فضاهای شهری است (جهانشاهی، ۱۳۸۸: ۳).

جین جیکوبز در مورد خود انتظامی بودن یک خیابان چنین توضیح می دهد «می بایست چشم هایی همواره خیابان را بنگرند، چشم های کسانی که ما آن ها را مالکین طبیعی و حقیقی خیابان می نامیم و ... پیاده روهای خیابان می بایست به صورت مداوم مورد استفاده قرار گیرد، تا بر نگاه های موثر بر خیابان افزوده گردد و به مردم ساکن در خیابان، نگریستن به خیابان آموزش داده شود». با این توصیف وی بر نظارت فعال و ضرورت تعریف عرصه های عمومی و خصوصی تاکید می کند (مدیری، ۱۳۸۵: ۱۵).

ایجاد ظرفیت های کالبدی- نظارتی در فضا به اعتقاد اسکار نیومن، فرصت نظارت برای ساکنان و دیگر نهادها را ممکن می سازد. بعلاوه بیل هیلر معتقد است حضور مردم چه غریبه و چه آشنا احساس ایمنی را در فضای عمومی ارتقاء داده و وسیله ای است که به کمک آن می توان فضا را به صورت طبیعی مورد نظارت قرار داد. لذا وی به دنبال خصوصیات شکلی فضا است که حضور مردم و به تبع آن احساس امنیت را افزایش دهد. به اعتقاد وی می توان از طریق یکپارچه سازی فضا و مسیرهای حرکتی، فضاهای به هم پیوسته ای را تعریف کرد که ایمن به نظر برسد. بنابراین حضور تعداد مشخصی از مردم در فضای شهری در کنار ویژگی های کالبدی فضا می تواند در ارتقا احساس امنیت و افزایش دسترسی پذیری نمادین نقش داشته باشد (مدیری، ۱۳۸۵: ۱۶-۱۸).

٤-٥-٢- عقب نشینی و جلوآمدگی

عقب نشینی و جلوآمدگی در فضای خیابان ها اگر با رعایت تناسبات طراحی نباشد، ممکن است فضاهای پنهان و نقاط کور در بخش هایی از فضای شهری ایجاد کند. از این رو جریان پیاده در فضاهایی که به صورت نواحی جدا افتاده عمل کنند نیز کاهش می یابد. عقب نشینی و جلوآمدگی ها کیفیت دید و رویت پذیری را در راسته خیابان کاهش می دهند. خصوصاً به هنگام شب اگر این فضاها نورپردازی مناسبی نداشته باشند احساس عدم اطمینان برای رهگذران و ساکنان آن ناحیه به وجود می آورند. بعلاوه وجود چنین فضاهای تعریف نشده ای در بافت، تاثیر منفی بر روی نظارت طبیعی از سوی ساکنان و عابرین دارد و در نتیجه احساس امنیت را در فضای شهری کاهش می دهد (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۶۲).

٤-٥-٣- نفوذ پذیری

شبکه های شهری به منظور فراهم آوردن امکان حرکت مردم، کالاها و خدمات در سیستم شهری طراحی شده اند و کیفیت نفوذپذیری در سیستم شهری می تواند کارایی شهرها و محلات را افزایش دهد (Olusey, 2006: 36). به منظور بالا بردن سطح امنیت، در نظر گرفتن سلسله مراتبی از فضاهای به هم پیوسته و کوچه های بن بست که در واقع راه فرار را بر مجرمان می بندد، می تواند موثر واقع گردد. بدین ترتیب، در عین حالیکه دسترسی عمومی را ممکن می سازد، از تمایل غریبه ها به حضور در فضا می کاهد و به نوعی مانند محدوده های بسته عمل می نماید (مدیری، ۱۳۸۵: ۱۷).

اما در مقابل تعداد زیاد کوچه های فرعی در بافت محلات (خصوصاً محلات قدیمی تر و فرسوده تر) همچنین می تواند خاصیت محلی بودن این فضاها را به کلی از بین ببرد. زیرا فضای تعاملاتی درون محلات قدیمی تر کاملا خودمانی می باشد و اگر فضای طراحی شده این اینگونه محلات به صورتی باشد که امکان دسترسی از برون به داخل بافت محله به راحتی امکان پذیر شود، این موضوع می تواند باعث سلب آرامش ساکنین محله گردد و با ورود بیشتر افراد غریبه به درون بافت، احساس امنیت را در این گونه فضاهای محلی کاهش یابد (Hiller, 2008: 26).

٤-٥-٤- رویت پذیری

الگوی خیابان ها بایستی به شکلی تغییر نماید و طراحی گردد که فرصت های جرم و جنایت را در محلات کاهش دهد. الگوی شطرنجی خیابانها، الگویی ساده است که احساس امنیت بالاتری نسبت به الگوی ارگانیک القا می کند (National Crime Prevention Council 2010: 75). خیابانهایی که منحنی شکل هستند تاثیر منفی بر احساس امنیت در بافت محلات دارند زیرا رویت پذیری را کاهش داده و بدین ترتیب فرد بیننده تصویر مشخصی از آنچه قرارست در ادامه مسیر اتفاق بیفتد در اختیار ندارد. اگرچه خیابان نباید به لحاظ شکلی کاملا مستقیم باشد ولی خط دید خیابان باید مستقیم باقی بماند، به طوریکه از نظر پنهان نگردد (Greene, 2003: 42). بعلاوه طراحی کوچه های فرعی بایستی به گونه ای باشد که امکان رویت پذیری از سایر کوچه ها یا خیابانهای متصل به آن فراهم باشد. بنابراین بایستی تا حد ممکن از کوچه های طولانی انحنادار پرهیز شود زیرا در غیر اینصورت به جدایی گزینی و عدم امنیت در بافت منجر می شود (National Crime Prevention Council, 2010: 82).

٥- پیشینه تحقیق

زارع و ترکان (۱۳۹۰) در مقاله ایی تحت عنوان "بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان شهر یزد" به این نتیجه رسیده اند که جنسیت وابسته ترین متغیر به احساس امنیت می باشد. همچنین نتایج به دست آمده از تحقیق حسنوند (۱۳۹۱) در مقاله ایی تحت عنوان "بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی جوانان(مطالعه موردی شهرستان سلسله)" نتیجه پژوهش پیشین را تایید می کند. در پژوهش انجام شده توسط نبوی و همکاران (۱۳۸۸) با عنوان" بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی" مشخص شده است که جنسیت بر روی امنیت جانی تاثیر می گذارد. بعلاوه یافته های تحقیقات افشانی و ذاکری (۱۳۹۱) در مقاله ایی تحت عنوان "مطالعه تطبیقی میزان احساس امنیت اجتماعی زنان و مردان شهر یزد" حاکی از آنست که احساس امنیت جانی در زنان به طور معناداری کمتر از مردان می باشد.

از طرفی کوچکی در مقاله ایی تحت عنوان "روشنایی در فضاهای شهری" که در سال ۱۳۸۷ به چاپ رسید این نتیجه را منعکس نموده است که ادراک زنان از جرم در نواحی ناامن بالاتر از مردان است. همچنین وی اشاره دارد که سطح بالای ادراک جرم در زنان باعث کاهش احساس امنیت آنان می گردد. بعلاوه با توجه به اینکه بیشتر جرائم در شب اتفاق می افتد تاریکی همیشه ترس ایجاد می نماید. همچنین، پینتر در سال ۱۹۹۶ در مقاله ایی تحت عنوان "تاثیر بهبود روشنایی خیابان در جرم و جنایت، ترس و استفاده افراد پیاده از خیابان در تاریکی" اشاره نموده است که اکثر افراد برای رفتن به خیابان، بعد از تاریکی هوا احتیاط می کنند. دلیل این واقعیت پاسخهای رایجی را به تصویر می کشد که آن ترس از جرم و بی نظمی می باشد. نتایج پژوهش وی نشان می دهد، تعداد زنانی که از راه رفتن در تاریکی می هراسند بیشتر از تعداد مردان در همان موقعیت می باشد.

صدیق سروستانی و نیمروزی (۱۳۸۹) در مقاله ایی تحت عنوان"بررسی ارتباط بین مشارکت درروابط همسایگی واحساس امنیت در محلات شهر مشهد" اشاره نموده اند که بین محیط فیزیکی محله و احساس امنیت در محله ارتباطی مثبتی وجود دارد. در این راستا، گرین و همکارانش در سال (۲۰۰۷) مقاله ایی تحت عنوان "ایمنی شهری در نواحی مسکونی: متغیرهای فضایی در جرم و احساس عدم امنیت" ارائه نمود و در نتایج مطالعه اش اشاره نمود که نزدیکی تقاطع ها در خیابان و انحنا در مسیر خیابان، کنترل بصری افراد بر روی فضا را کاهش داده و در نتیجه بر ادراک پاسخگویان از احساس امنیت تاثیر منفی دارد. هیلر نیز در سال (۲۰۰۸) مقاله ایی تحت عنوان "یک رویکرد مبتنی بر شواهد نسبت به جرم و طراحی شهری" ارائه نموده است که در یکی از نتایج به دست آمده در این پژوهش کوچه های فرعی غیرفعال می تواند باعث کاهش ایمنی محله گردد و به تبع آن ادراک افراد از احساس امنیت در محله را کاهش دهد.

پاکزاد در سال ۱۳۸۶ در کتاب "مقدمه ای بر طراحی شهری در ایران" اشاره نمود که عقب نشینی و جلوآمدگی ها در بافت باعث شکل گیری فضاهای گمشده و فضاهای بی دفاع می گردد که شکل گیری چنین فضاهایی بر نظارت عمومی و احساس امنیت در فضاهای عمومی تاثیر منفی می گذارد. بعلاوه در این کتاب اشاره شده است که خیابان های باریک در بافت محله به علت عرض کمی که دارند می تواند ایمنی پیاده و

سواره را تهدید کند. در طرح پژوهشی با عنوان "راهبردهای طراحی ایمن تر در ایالت ویکتوریا" که در سال ۲۰۰۵ توسط انجمن ممانعت از جرم انجام شد، نتایج به دست آمده نشان می دهد که ایمنی محلات به واسطه ی کاهش دسترسی عمومی و پنهان نمودن ادامه مسیر از زاویه دید ناظر کاهش می یابد.

٦- روش شناسی

٦-١- روش تحقیق و تحلیل اطلاعات

این تحقیق به روش توصیفی- تحلیلی انجام گرفته و برای تحلیل اطلاعات از روشهای آماری آزمون خی-دو پیرسون و اسپیرمن براساس نوع متغیرها استفاده شده است. در مجموع تحلیل داده ها به دو بخش اصلی تقسیم شده است که بخش اول مبتنی بر ادراک افراد را از احساس امنیت براساس نوع جنسیت می باشد و بخش دوم در خصوص رابطه ی بین مولفه های کالبدی فضای عمومی محله و احساس امنیت است. در بخش دوم فرضیاتی در خصوص رابطه احساس امنیت با هریک از مولفه های کالبدی مطرح شده که تایید یا رد این فرضیات از طریق آزمونهای آماری مورد بررسی قرار گرفته است.

٦-٢- روش و ابزار جمع آوری اطلاعات

به منظور جمع آوری داده ها که شامل داده کیفی و کمی می گردد از روشهای مختلفی در فرآیند پژوهش بهره گرفته شده است. داده های کمی از طریق مصاحبه و فرم های پرسشنامه و داده کیفی به وسیله مشاهده و عکس برداری جمع آوری شده است. با توجه به اینکه در محدوده مورد مطالعه بیشتر افراد ساکن در سطح پایین سواد قرار دارند، لذا برای جمع آوری داده های کمی ، نوعی از مصاحبه تحت عنوان Interview Scripted به منظور همکاری بیشتر این دسته از افراد ترجیح داده شده است. در این نوع مصاحبه، از پرسشنامه جهت یافتن نیازهای افراد در طول زمان در فضای عمومی استفاده شده است که نسبتا انعطاف پذیر و ارزان می باشد و می تواند برای تعداد زیادی از افراد، خصوصاً در فضاهایی که استفاده کنندگانش سطح سواد پایین تری برخوردارند، مورد استفاده قرار گیرد.

به منظور تعیین حجم نمونه، جمعیت تقریبی محله آبکوه براساس آخرین اطلاعات به دست آمده، ۷۸۷۴ نفر با ۱۸۴۴ خانوار می باشد. با توجه به اینکه محدوده مورد مطالعه ویژگی های کم و بیش همگنی دارد لذا برای تعیین حجم نمونه از فرمول تعیین حجم نمونه ساده استفاده شده است، که براساس فرمول زیر به دست می آید (منصورفر، ۱۳۷۴: ۳۱۹). در این فرمول واریانس با توجه به میزان همگنی جامعه آماری قلعه آبکوه برابر با ۰/۲ در نظر گرفته شده است.

$$n = \frac{N.Z^2.\sigma^2}{N.d^2 + Z^2.\sigma^2}$$

N. تعداد خانوار

Z. سطح اطمینان (۲)

d. خطای مورد قبول (۰/۰۵)

n. حجم نمونه

σ. واریانس (۰/۲)

براساس این فرمول حجم نمونه برای محدوده مورد مطالعه ۶۱ به دست آمده است. به منظور افزایش میزان پایایی پژوهش، با توجه به اینکه افراد پاسخ دهنده در این محله، از سطح پایین تری از سواد برخوردارند و این احتمال وجود دارد که تعدادی از پرسشنامه ها غیر قابل استناد باشد، ۲۰٪ حجم نمونه محاسبه شده و تعداد ۱۲ پرسشنامه مازاد بر تعداد اصلی در نظر گرفته شده است که مجموعاً حجم نمونه را به ۷۳ نفر رسانده تا میزان خطا در پژوهش مورد نظر را کاهش دهد. بعلاوه در این بررسی به منظور به حداقل رساندن اثرات غیر قابل کنترل، پاسخ دهندگان از میان دو گروه افراد که در سن و جنس متفاوت هستند به صورت تصادفی ، انتخاب شده اند.

٦-٣- تشریح نرم افزارهای تحلیل اطلاعات

به منظور تحلیل اطلاعات کمی و آزمون های آماری از نرم افزار SPSS و برای تحلیل اطلاعات به دست آمده از مصاحبه های عمیق، از نرم افزار N-Vivo استفاده شده که این نرم افزار برای تجزیه و تحلیل متون در تحقیقات کیفی به کار می رود. بدین ترتیب که داده ها (متن مصاحبه های انجام شده، یا پاسخ های تشریحی به پرسش نامه ها) وارد نرم افزار می شوند، سپس امکان کدگزاری متن وجود دارد و در نهایت از نرم افزار برای بررسی کد های موجود و ارتباط آنها با خصوصیات افراد شرکت کننده استفاده می شود.

٦-٤- شاخص های پژوهش

در این پژوهش، مقیاس اندازه گیری متغیرها اسمی و ترتیبی می باشد. احساس امنیت به عنوان متغیر وابسته و متغیرهای کالبدی که شامل عقب نشینی و جلو آمدگی در بافت، نزدیکی تقاطع ها در مسیر خیابان، عرض خیابان، نفوذپذیری و رویت پذیری در

مسیر خیابان به عنوان متغیرهای مستقل می گردد. بعلاوه با توجه به اینکه ادراک افراد از احساس امنیت نسبت به هر یک از متغیرهای کالبدی براساس جنسیت سنجیده شده است، لذا جنسیت نیز به عنوان متغیر مستقل محسوب می شود که احساس امنیت به آن وابسته می باشد.

٦-٥- شناخت محدوده مورد مطالعه

٦-٥-١- موقعیت و وسعت محله آبکوه

نقشه شماره ۱، موقعیت محله آبکوه را در شهر مشهد نمایش می‌دهد. محله آبکوه با وسعت ۴۰ هکتار در منطقه یک شهرداری مشهد با وسعت ۱۶۱۱ هکتار واقع شده است. این محله زمانی به عنوان یکی از روستاهای حاشیه ای در اطراف شهر مشهد بوده اما طی فرآیند گسترش افقی شهر بدون هیچ تغییری در بافت روستایی خود به بافت شهری پیوست.



نقشه ۱) موقعیت محله آبکوه در شهر مشهد

ماخذ: www.rezacity.blogfa.com

٦-٥-٢- سابقه تاریخی محله آبکوه

محدوده ای که امروزه به نام « قلعه آبکوه» خوانده می شود، در گذشته شامل دو روستای نزدیک به هم به نام های «آبکوه» و «سعدآباد» بوده است که روستای آبکوه در اراضی آستان قدس و روستای سعد آباد در اراضی سازمان اوقاف قرار داشته است. به علت اینکه در گذشته آب مورد استفاده قلعه آبکوه از کوه های اطراف طرقبه، به ویژه دره مایون، ازغد، جاغرق و طرقبه تامین می گردید، این روستا به نام آبکوه مشهور شده است. طبق نظر اهالی قدیمی محل، روستای آبکوه در زمان حمکرانی نادرشاه افشار شکل گرفته است. با وقوع ناامنی های رایج در آن دوره، طبق رسم معمول آن زمان، اهالی برای حفاظت از جان و مال خود اقدام به احداث برج و بارو در اطراف خانه های روستا می کردند. بدین ترتیب دیواری به ارتفاع ۳/۵ متر (تصویر۲) به همراه ۶ برج ۵ متری احداث شد و روستای آبکوه به قلعه آبکوه تبدیل شد. حدود سال ۱۲۰۰ شمسی در فاصله ۴۰۰ متری شرق قلعه آبکوه، روستای دیگری به نام سعدآباد شکل گرفت (سعیدی رضوانی، ۱۳۸۵: ۷۱).



تصویر۲) بخشی از دیوار قلعه آبکوه، ماخذ: سعیدی رضوانی،۱۳۸۵

به تدریج در اثر گذر زمان، جمعیت روستای آبکوه (تصویر ۳ و ۴) افزایش یافت و فضای موجود در داخل قلعه، برای سکونت اهالی جوانی که تشکیل خانواده می دادند و نیز مهاجرینی که به این روستا می آمدند، کافی نبود. به همین دلیل محدوده خانه های روستا به خارج از دیوار های قلعه گسترش یافت و نهایتاً این دو روستا به هم متصل گشته و سکونتگاهی واحد را شکل دادند. همانطور که در تصویر۶ دیده می شود با تفکیک اراضی زراعی آستان قدس و اوقاف در اطراف قلعه آبکوه و واگذاری آن ها به مردم، از سال ۱۳۵۵ به بعد در محل زمین هایی که اهالی آبکوه- سعدآباد در گذشته کشاورزی می کردند، محلات جدید شهر مشهد که هم اکنون بلوار سجاد، فلسطین، هجرت، سازمان آب و راهنمایی نامیده می شود، شکل گرفت (تصویر ۵). بدین ترتیب از سال ۱۳۵۵ ،روستای آبکوه - سعدآباد یا همان قلعه آبکوه همانطور که در شکل شماره ۶ دیده می شود به بافت اصلی شهر مشهد ، ضمیمه گردید (مهندسین مشاور نقش آذین شهر، ۱۳۸۶: ۵۴).


تصویر ۳) تصویر هوایی آبکوه در سال ۱۳۴۵


تصویر ۴) تصویر هوایی آبکوه در سال۱۳۵۹


تصویر۵) تصویر هوایی آبکوه در سال ۱۳۷۴


تصویر۶) تصویر هوایی آبکوه در سال ۱۳۸۰
ماخذ: مهندسین مشاور نقش آذین شهر، ۱۳۸۶

٦-٥-٣- معرفی محدوده مورد مطالعه

همانطور که در شکل شماره ۷ دیده می شود، خیابانی که به عنوان استخوانبندی اصلی محله در بافت عمل می نماید، به عنوان محدوده مورد مطالعه در این مقاله انتخاب شده است که به موازات بلوار دستغیب در داخل بافت محله قرار گرفته است. این خیابان معبر اصلی درون محله است که نقش سواره و پیاده دارد و بیشتر افراد در ساعات مختلف شبانه روز از آن عبور می کنند. بعلاوه کلیه عناصر مهم محله نظیر راسته تجاری، مسجد، مدرسه و ... در طول این مسیر واقع شده اند، لذا ایمنی و امنیت این خیابان در ساختار کلی محله از اهمیت به سزایی برخوردار است.


تصویر۷) موقعیت محدوده مورد مطالعه در بافت محله آبکوه
ماخذ: مهندسین مشاور نقش آذین شهر، ۱۳۸۶

۷- بحث و یافته های تحقیق

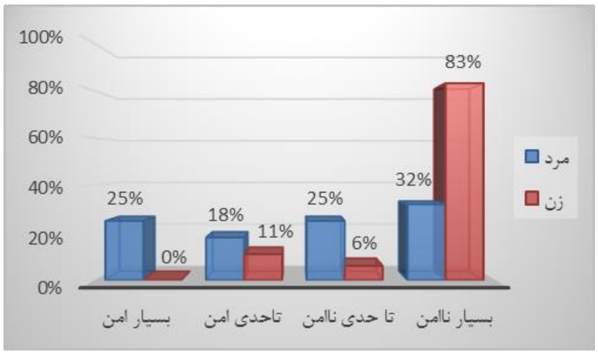
اطلاعات اولیه بدست آمده از پرسشنامه شامل مشخصات فردی افراد مانند سن، جنسیت، سواد و درآمد می گردد که این پژوهش به دنبال سنجش رابطه ی جنسیت و احساس امنیت در محله می باشد. بعلاوه با توجه به بافت ارگانیک محله و شکل قدیمی آن به نظر می رسد که رابطه ای بین مولفه های کالبدی و احساس امنیت در محله وجود داشته باشد. مولفه های کالبدی فضای عمومی شامل عقب نشینی و جلوآمدگی، میزان رویت پذیری (انحنا در مسیر خیابان)، عرض خیابان، نفوذپذیری بافت (تعداد کوچه های فرعی)، نزدیکی تقاطع ها در مسیر خیابان می گردد که در این مرحله پژوهشگر به دنبال تحلیل رابطه و سنجش تاثیر هریک از متغیرها بر احساس امنیت در محله آبکوه می باشد.

۷-۱- امنیت در محله آبکوه

همان طور که در نمودار شماره ۱ دیده می شود، اگرچه اکثریت مردان و زنان بیشترین احساس ناامنی را در زمانی که تنها به هنگام شب در محله آبکوه قدم می زنند دارند، اما این درصد برای زنان ۸۹٪ است که از درصد مردان ۳۲٪ بیشتر می باشد. این نتیجه می تواند فرضیه ای که در رابطه با ارتباط بین نوع

جنسیت و ادراک پاسخگویان از احساس امنیت محله است را اثبات نماید.

نمودار ۱) ادراک پاسخگویان از امنیت محله براساس جنسیت



جدول ۱) رابطه ی بین ادراک پاسخگویان از امنیت محله و جنسیت

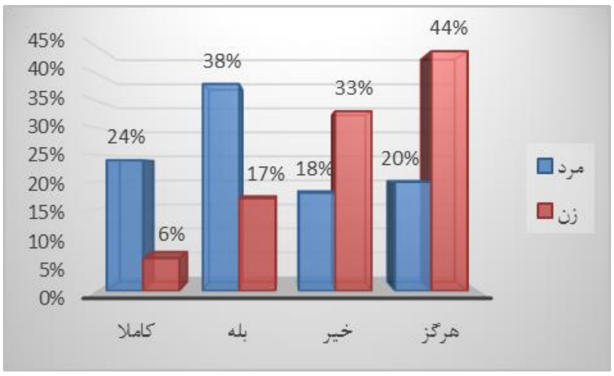
Chi-Square Test	Value	df	Asymp. Sig. (2-sided)
Pearson Chi-Square	۱۶/۱۱۰	۳	۰/۰۰۱
Likelihood Ratio	۱۹/۱۴۹	۳	۰/۰۰۰
Linear-by-Linear	۱۲/۰۰۷	۱	۰/۰۰۰
N of Valid Cases	۷۳		

ارزش تست آماری ۱۷/۳۰ است که با α=۰/۰۰۱ دلالت بر وجود رابطه معنادار بین جنسیت و دلایل احساس امنیت به هنگام قدم زدن در تنهایی در محله آبکوه دارد. بنابراین براساس جدول شماره ۱، این دو متغیر با احتمال ۹۹/۹ ٪ به هم وابسته اند و H_1 مورد تایید قرار می گیرد.

۷-۲- امنیت راسته اصلی در بافت محله آبکوه

همان طور که در نمودار شماره ۲ نشان داده شده است، اکثریت مردان (۳۸٪) احساس امنیت دارند اگرچه نه به شکل کامل، اما بیشتر زنان (۴۴٪) هرگز احساس امنیت در خیابان نمی کنند.

نمودار ۲) ادراک پاسخگویان درباره امنیت خیابان براساس جنسیت



نتیجه حاصل از جدول شماره ۲، فرضیه را از طریق آزمون خی- دو پیرسون اثبات می نماید. در این تست آماری ارزش ρ برابر با ۸/۷۵ است که می تواند H_0 را با α=۰/۰۳ رد کند. بر این اساس می توان گفت که همبستگی قابل ملاحظه ای در سطح اطمینان ۹۷٪ بین دلایل پاسخ دهندگان برای احساس امنیت در خیابان و نوع جنسیت در محله آبکوه وجود دارد.

جدول ۲) رابطه‌ی بین دلایل احساس ایمنیو امنیت پاسخ دهندگان ونوع جنسیت

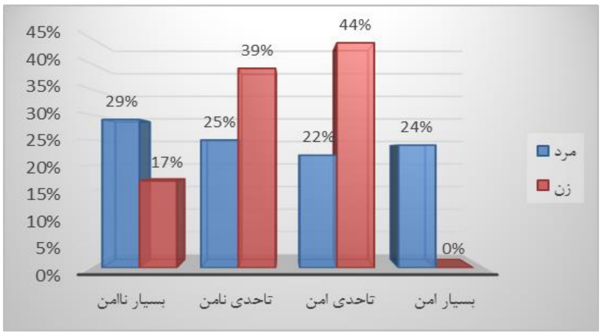
Chi-Square Test	Value	df	Asymp. Sig. (2-sided)
Pearson Chi-Square	۸/۷۵۵	۳	۰/۰۳۳
Likelihood Ratio	۹/۲۲۳	۳	۰/۰۲۶
Linear-by-Linear	۷/۸۳۲	۱	۰/۰۰۵
N of Valid Cases	۷۳		

۷-۳- مولفه های کالبدی فضاهای عمومی

۷-۳-۱- نزدیکی تقاطع ها در مسیر خیابان

براساس نمودار شماره ۴، بیش از نیمی از پاسخگویان (۵۵٪)، احساس عدم امنیت از نزدیکی تقاطع ها در خیابان دارند. همچنین ۲۵٪ از پاسخگویان یادآور شدند که نزدیکی تقاطع ها در خیابان می تواند به شکل موثری بر احساس امنیت تاثیر گذارد. براساس نمودار شماره ۴، اکثریت مردان (۵۴٪) و همچنین ۵۶٪ زنان، احساس ناامنی از نزدیکی تقاطع ها در خیابان دارند. به هر حال ادراک مردان نسبت به زنان در این موضع پایین تر است.

نمودار ۴) ادراک پاسخگویان از نزدیکی تقاطع ها در مسیر خیابان براساس نوع جنسیت



جدول ۴) رابطه ی بین ادراک پاسخگویان از نزدیکی تقاطع ها در مسیر خیابان واحساس امنیت

Spearman Correlation			Chi-Square		
Correlation Coefficient	Sig (2-tailed)	N	Value	df	Asymp. Sig (2-sided)
-۰/۳۹۳**	۰/۰۰۱	۷۳	۸/۴۴۴a	۳	۰/۰۳۸

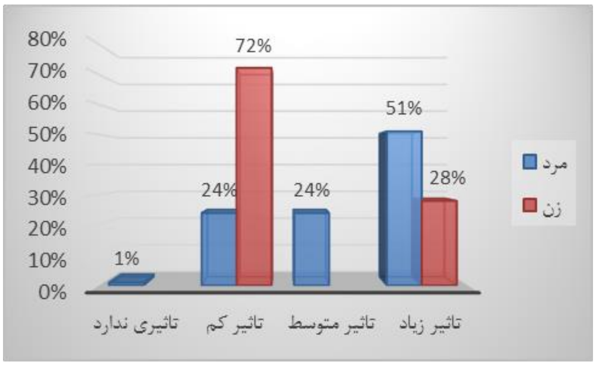
براساس جدول شماره ۴، آزمون آماری اسپیرمن دلالت بر وجود رابطه معنادار بین دلایلی که پاسخ دهندگان احساس ایمنی و

امنیت در خیابان می کنند و نزدیکی تقاطع ها در سطح اطمینان ۹۹٪ دارد. بعلاوه ۰/۶۵- > r_s > ۰/۳۵- است که رابطه غیرمستقیم و همبستگی متوسط بین این دو متغیر را به اثبات می رساند و H_1 مورد تایید قرار می گیرد.

۷-۳-۲- عقب نشینی و جلو آمدگی در مسیر خیابان

تعداد زیادی از پاسخگویان (۹۹٪) یادآور شده اند که عقب نشینی و جلو آمدگی های موجود در راستای خیابان بر ادراک افراد از احساس امنیت تاثیر می گذارد. به هر حال اکثریت پاسخگویان (۴۵٪) یادآور شده اند که این عامل تاثیر منفی خیلی زیادی بر احساس امنیت در خیابان دارد. براساس نتایج نشان داده شده در نمودار شماره ۵، اکثریت مردان (۵۱٪) اشاره کردند که عقب نشینی و جلو آمدگی های موجود، تاثیر منفی زیادی بر احساس امنیت دارد. اما بیشتر زنان (۷۲٪) گفته اند که این عامل تاثیر منفی کمی بر احساس امنیت آنها از خیابان دارد.

نمودار ۵) ادراک پاسخگویان از تاثیر عقب نشینی و جلو آمدگی های درون بافت بر احساس امنیت



جدول ۵) رابطه ی بین ادراک پاسخ دهندگان از تاثیر عقب نشینی و جلو آمدگی های درون بافت بر احساس امنیت

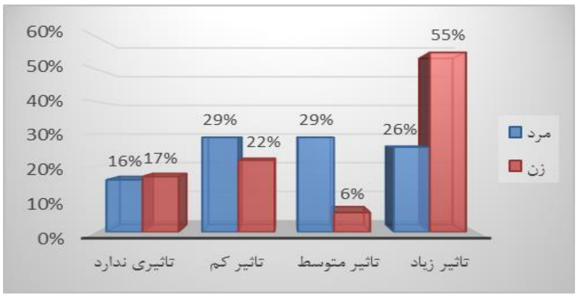
Spearman Correlation			Chi-Square		
Correlation Coefficient	Sig (2-tailed)	N	Value	df	Asymp. Sig (2-sided)
-۰/۲۷۳*	۰/۰۲۰	۷۳	۱۵/۱۷۵[a]	۳	۰/۰۰۲

تست آماری اسپیرمن، H_1 را در سطح اطمینان ۹۷٪، بین دو متغیر عقب نشینی و جلوآمدگی در خیابان و احساس امنیت پاسخ دهندگان به اثبات می رساند (جدول شماره ۵). در این معادله r_s مساوی با ۰/۲۷- و کمتر از ۰/۳۵- است که دلالت بر رابطه ی غیرمستقیم و همبستگی ضعیف دو متغیر دارد. ارزش آزمون آماری خی – دو پیرسون نشان می دهد که این دو متغیر در سطح اطمینان ۹۹/۸٪ با یکدیگر در ارتباط هستند. بنابراین نتیجه حاصل از جدول شماره ۵، می تواند وجود رابطه معنادار بین نوع جنسیت و ادراک پاسخ دهندگان از اثرات منفی عقب نشینی و جلوآمدگی ها بر احساس امنیت را تایید نماید.

۷-۳-۳- رویت پذیری خیابان

همانطور که در نمودار شماره ۶ مشاهده می گردد، ۹۹٪ از پاسخگویان اشاره کرده اند که انحنای موجود در مسیر خیابان به علت کاهش میزان رویت پذیری تاثیر منفی بر ادراک آنان از احساس امنیت در خیابان دارد. بعلاوه اکثریت افراد (۵۳٪) یادآور شدند که تاثیر منفی انحنای خیابان بر احساس امنیت در خیابان زیاد است. براساس نمودار شماره ۶، ۵۵٪ زنان که اکثریت را تشکیل می دهند بر این باروند، تاثیر منفی انحنا در مسیر خیابان بر احساس امنیت زیاد می باشد. این در حالی است که فقط ۲۶٪ از مردان به تاثیر منفی زیاد این عامل در احساس امنیت اشاره داشته اند و اکثریت مردان (۵۸٪) اذعان داشته اند که تاثیر وجود انحنا در مسیر خیابان بر احساس امنیت، کم یا متوسط می باشد.

نمودار ۶) ادراک پاسخگویان از تاثیر منفی انحنا در مسیر خیابان بر احساس امنیت



جدول ۶) رابطه ی بین متغیر انحنا در مسیر خیابان و ادراک پاسخگویان از تاثیر منفی آن بر احساس امنیت

Spearman Correlation		احساس عدم امنیت	انحا در مسیر خیابان
احساس عدم امنیت	Correlation Coefficient	۱/۰۰۰	-۰/۰۵۵
	Sig. (2-tailed)	.	۰/۶۴۲
	N	۷۳	۷۳
انحا در مسیر خیابان	Correlation Coefficient	-۰/۰۵۵	۱/۰۰۰
	Sig. (2-tailed)	۰/۶۴۲	.
	N	۷۳	۷۳

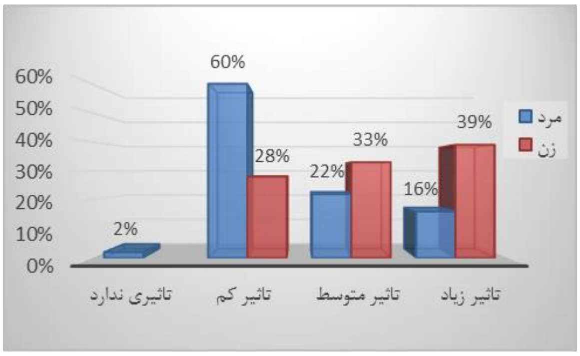
براساس جدول شماره ۶، r_s تست آماری منفی و برابر با ۰/۵۵- است که دلالت بر رابطه غیرمستقیم و همبستگی متوسط بین این دو متغیر دارد. لذا رابطه ای بین متغیر انحنا در مسیر خیابان و احساس امنیت پاسخ دهندگان وجود ندارد، زیرا α مساوی با

۰/۶۴ و بیشتر از ۰/۰۵ می باشد. اگرچه نتیجه آنالیز توصیفی نشان می دهد که انحنای خیابان تاثیر منفی بیشتری بر احساس امنیت پاسخگویان دارد، با این حال، نتیجه تست آزمون آماری آشکار می سازد که رابطه ی مشخصی بین این دو متغیر وجود ندارد لذا H_0 مورد تایید قرار می گیرد.

۷-۳-٤- عرض خیابان

اکثریت پاسخ دهندگان (۹۹٪) یادآور شده اند که عرض خیابان بر ادراک آنها از احساس امنیت خیابان تاثیر می گذارد. به هر حال، اکثریت پاسخگویان (۵۲٪) یادآور شدند، که خیابانهای باریک تاثیر منفی کمی بر میزان احساس امنیت در خیابان دارد. براساس نمودار شماره ۷، اکثریت مردان (۶۰٪) تاکید بر تاثیر منفی کم خیابان های باریک بر احساس امنیت دارند. اما بیشتر زنان (۳۹٪) به تاثیر منفی خیلی زیاد این عامل بر احساس امنیت اشاره کرده اند.

نمودار ۷) ادراک پاسخگویان از تاثیر منفی خیابان باریک بر احساس امنیت



جدول۷) رابطه ی بین جنسیت و ادراک پاسخ دهندگان از تاثیر منفی خیابان باریک بر احساس امنیت

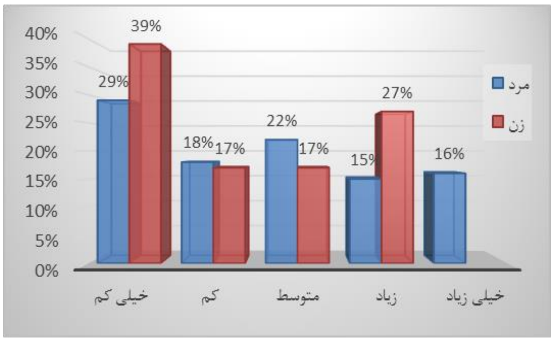
Spearman Correlation			Chi-Square		
Correlation Coefficient	Sig (2-sided)	N	Value	df	Asymp.Sig (2-sided)
-۰/۲۴۷*	۰/۰۳۵	۷۳	۶/۹۰۱[a]	۳	۰/۰۷۵

براساس نتیجه به دست آمده از جدول شماره ۷، عرض خیابان و احساس امنیت در سطح اطمینان ۹۶٪ با یکدیگر در ارتباط هستند. در این تست r_s مساوی -۰/۲۴ کمتر از -۰/۳۵ می باشد که دلالت بر رابطه ای غیرمستقیم و همبستگی ضعیف بین این دو متغیر دارد. بعلاوه در تست خی - دو پیرسون، ρ به ارزش ۶/۹۰ و α=۰/۰۷ می باشد. این بدین معنی است که رابطه ی شاخصی بین جنسیت و ادراک پاسخ دهندگان از تاثیرات منفی عرض خیابان بر احساس امنیت وجود ندارد. بنابراین H_0 مورد تایید قرار می گیرد ولی ممکن است این رابطه براساس شانس با احتمال ۹۲٪ اتفاق بیفتد.

۷-۳-۵- نفوذپذیری خیابان

همان طور که در نمودار شماره ۸ نشان داده شده است، اکثریت مردان (۴۷٪) و زنان (۵۶٪) یادآور شدند که تعداد زیاد کوچه های فرعی که به خیابان اصلی منتهی می شوند، تاثیر منفی کمی بر احساس امنیت شان دارد. با این وجود ۳۱٪ مردان و ۲۷٪ زنان بر این باورند که تاثیر منفی این عامل بر احساس امنیت زیاد است.

نمودار ۸) ادراک پاسخگویان از تاثیر منفی تعداد زیاد کوچه های فرعی بر احساس امنیت



جدول ۸) رابطه ی بین تعداد کوچه های فرعی و احساس عدم امنیت در پاسخ دهندگان

Spearman Correlation		احساس عدم امنیت	تعداد کوچه های فرعی
احساس عدم امنیت	Correlation Coefficient	۰۰۰/۱	-۰/۰۹۶
	Sig. (2-tailed)	.	۰/۴۱۷
	N	۷۳	۷۳
تعداد کوچه های فرعی	Correlation Coefficient	-۰/۰۹۶	۰۰۰/۱
	Sig. (2-tailed)	۰/۴۱۷	.
	N	۷۳	۷۳

جدول شماره ۸ نشان دهنده ی رابطه ی غیرمستقیم و همبستگی ضعیف بین این دو متغیر می باشد، به این علت که r_s منفی و برابر با ۰/۰۹۶ است که این رقم کمتر از -۰/۳۵ می باشد. بنابراین H_0 می تواند مورد پذیرش واقع شود، با توجه به اینکه α=۰/۴۱ که بزرگتر از ۰/۰۵ می باشد. نتیجه آزمون آماری آشکار می سازد که رابطه ی شاخصی بین این دو متغیر وجود ندارد.

به طور خلاصه اگر چه بیشتر متغیرها براساس آنالیز توصیفی تاثیر منفی بر احساس امنیت دارند ولی همچنان نتیجه آزمون

آماری اسپیرمن بین این متغیرها و احساس امنیت آشکار می سازد که فقط دو متغیر عقب نشینی و جلوآمدگی در بافت و عرض خیابان رابطه ی معناداری با دلایل احساس امنیت دارند. بعلاوه از میان سه متغیری که رابطه غیر مستقیم و همبستگی ضعیف با احساس امنیت در خیابان دارند، تنها عقب نشینی و جلوآمدگی ها در مسیر خیابان، ادراک پاسخ دهندگان را از احساس امنیت براساس جنسیت تحت تاثیر قرار می دهد. بنابراین، طبق نتایج به دست آمده مولفه ی عقب نشینی و جلوآمدگی در مسیر خیابان مرتبط ترین متغیر با احساس امنیت در فضای شهری است که بر آن تاثیر منفی می گذارد.

۸- نتیجه گیری

همان طور که در بالا بحث شد، با توجه به محدودیت های فرهنگ مرد سالارانه در ایران خیابان ها در محله آبکوه مورد استفاده فعال زنان قرار نمی گیرند. این موضوع سطح رضایت پایین تر زنان را نسبت به مردان در فضاهای عمومی شهر بر می انگیزد. این گونه برخورد با فضاها در بستر شهرهای ایرانی یک محدودیت جدی برای زنان جهت حضور در فضای شهری با توجه به احساس عدم امنیت است. اما زنان همچنان یادآور شده اند که علاقه ی آنان به استفاده از فضای خیابان جهت انجام فعالیت های اجتماعی کاهش نیافته است. یافته های تحقیق به شناسایی متغیرهای کلیدی در احساس ناامنی به منظور کاهش ترس از جرم و افزایش احساس امنیت در محلات توجه داشت. براساس یافته ها، عناصر کالبدی زیر در احساس امنیت در محلات دخیل می باشند که شامل نزدیکی تقاطع ها در مسیر خیابان، عقب نشینی و جلو آمدگی در مسیر خیابان، رویت پذیری خیابان، عرض خیابان، نفوذپذیری خیابان می گردد که این مولفه ها احساس امنیت فضاهای عمومی محلاتی با بافت و ساختار اجتماعی مشابه محله آبکوه را بیشتر از سایر مولفه ها تحت تاثیر قرار می دهد. براساس نتایج به دست آمده مشخص شد که برخی از متغیرها با احساس امنیت در محله آبکوه رابطه ایی معنادار دارند، اما احساس امنیت بر اساس جنسیت در غالب دو مولفه ی نزدیکی تقاطع ها در خیابان و عقب نشینی و جلو آمدگی در این گونه بافت ها متفاوت می باشد که این موضوع، نتایج به دست آمده از پژوهش کوچکی (۱۳۸۷) در زمینه تفاوت ادراک زنان و مردان از احساس امنیت را تایید می کند.

۸-۱- نزدیکی تقاطع ها در مسیر خیابان

از آنجایی که خیابان مکانی برای تعاملات اجتماعی است، لذا ایمنی پیاده در آن بسیار مهم می باشد. همان طور که پاکزاد (۱۳۸۶) اشاره کرده است، در فضاهای محله باید حق تقدم پیاده به منظور بهبود ایمنی در نظر گرفته شده باشد. این موضوع همچنین باید در طراحی خیابان محلی و خصوصاً در تقاطع های خیابان مورد توجه باشد. حق تقدم عابران پیاده منجر به کاهش سرعت وسایل نقلیه در تقاطع ها و افزایش فرصتی برای کنترل بصری افراد پیاده می گردد (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۱۴). بعلاوه وجود کوچه های فرعی یکی از ویژگی های بافت ارگانیک روستایی است که باعث شکل گیری تقاطع های نزدیک به هم می گردد (سعیدی، ۱۳۸۴: ۶۲) اگرچه سطح بالای کنترل بصری در تقاطع خیابان، ایمنی خیابان را در محله تامین می کند اما نزدیکی تقاطع خیابان ها، کنترل بصری را کاهش می دهد و نزدیکی تقاطع خیابان ها تاثیر منفی بر ادراک پاسخگویان از احساس امنیت دارد (Greene, 2003: 33).

طبق آنالیز توصیفی، بیش از نصف پاسخگویان (۵۵٪)، احساس عدم امنیت از نزدیکی تقاطع خیابان ها دارند و همچنین ۴۵٪ آنان احساس ایمنی و امنیت دارند. به هر حال در ارتباط با به سنجش گذاشتن فرضیه، رابطه معنادار غیرمستقیمی بین این دو متغیر وجود دارد که H_1 را در سطح اطمینان ۹۹٪ تایید می کند. بنابراین نزدیکی تقاطع خیابان ها به صورت نسبی با احساس امنیت در فضای خیابان همبستگی داشته است. همانطور که سعیدی (۱۳۸۴) در بستر محله های ایرانی اشاره نموده است، نتایج پژوهش تاکید بر اهمیت این جنبه در احساس ناامنی در بافت ارگانیک روستاهای مستحیل شده در شهر دارد. این نتایج همچنین از یافته های پژوهش Greene در سال ۲۰۰۳ نیز حمایت می کند.

۸-۲- عقب نشینی و جلو آمدگی در مسیر خیابان

به طور کلی بافت توسعه جدید شهرهای ایرانی شطرنجی می باشد، در حالیکه بخش قدیمی شهر بافت ارگانیک دارد. بعلاوه بافت کالبدی نواحی روستایی در بستر محلی ایران بدون هیچ برنامه تعریف شده ای شکل گرفته است (مهدوی، ۱۶:۱۳۸۳). بعلاوه همان طور که پاکزاد در سال ۱۳۸۶ اشاره نموده است، عقب نشینی و جلوآمدگی ها در بافت محلات ایرانی کیفیت بصری را کاهش می دهد که این امر باعث شکل گیری

فضاهای گمشده و فضاهای بی دفاع در ساختار کالبدی محلات می گردد. بنابراین اینگونه فضاها تاثیر منفی بر نظارت عمومی داشته و احساس ناامنی را در فضای مورد نظر افزایش می دهد و بر ادراک پاسخگویان از امنیت تاثیر می گذارد.

براساس تحلیل توصیفی، پاسخ دهندگان یادآور شدند که عقب نشینی و جلوآمدگی بر ادراک پاسخگویان از امنیت تاثیر می گذارد. بعلاوه گروهی از پاسخگویان (۴۵٪)، به تاثیر منفی خیلی زیاد این عامل بر احساس امنیت اشاره نمودند. طبق آزمون آماری رابطه ی غیرمستقیم و همبستگی ضعیف بین مولفه ی عقب نشینی و جلوآمدگی در خیابان و احساس ایمنی و امنیت پاسخ دهندگان در مکان وجود دارد. این متغیرها در سطح اطمینان ۹۸٪ با یکدیگر در ارتباطند که بر این اساس H_1 مورد تایید قرار می گیرد. بنابراین پژوهش، نتایج قبلی به دست آمده از مبانی نظری را در خصوص تاثیر منفی مولفه ی عقب نشینی و جلوآمدگی را بر احساس امنیت در بافت روستاهای مستحیل در شهرهای ایرانی تایید می نماید.

۸-۳- رویت پذیری خیابان

همان طوریکه کالن اشاره کرده است، خمیدگی در فضاها تاثیر نامناسبی بر زمینه بصری خیابان می گذارد. همچنین Greene در سال ۲۰۰۳ در نتایج آورده که متغیر انحنا در مسیرهای خیابانی تاثیر منفی بر احساس امنیت می گذارد. زیرا این شرایط می تواند ایمنی محلات را از طریق کاهش دسترسی عمومی و پنهان نمودن ادامه مسیر از زاویه دید ناظر کاهش دهد (Crime Prevention Victoria, 2009: 21). در مقابل همانگونه که سعیدی یادآور شده است بیشتر گذرگاه ها در بافت روستایی به علت شکل گیری در فرآیند ارگانیک دارای خمیدگی با انحنا هستند. براساس آمار به دست آمده از آنالیز توصیفی، ۹۹٪ از پاسخگویان اشاره نمودند که انحنا در مسیر خیابان در ادراک افراد از احساس امنیت در خیابان تاثیر می گذارد و اکثریت آنان (۵۳٪) یادآور شدند که انحنا خیابان تاثیر منفی زیادی بر احساس امنیت دارد. به هر حال اگر چه نتایج به دست آمده از آنالیز توصیفی و ادبیات نظری نشان می دهد که انحنا در مسیر خیابان تاثیر منفی بر احساس امنیت خیابان دارد، اما طبق آزمون آماری رابطه ی مشخصی بین انحنا در مسیر خیابان و دلایلی که پاسخ دهندگان احساس ایمنی و امنیت در مکان می نمایند، وجود ندارد و H_0 مورد تایید قرار می گیرد.

۸-٤-عرض خیابان

امروزه، بافت شهری شطرنجی در شهرهای ایرانی باعث تخریب سلسله مراتب راهها می گردد. عرض همه خیابان ها و کوچه های فرعی شبیه به خیابان ها و کوچه های اصلی می باشد. بنابراین بر این اساس اجازه ورود و گذر از خیابان به هر کسی داده می شود. این حقیقت رضایت پاسخگویان را از طریق کاهش ایمنی سواره و پیاده کاهش می دهد (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۱۱). همچنین خیابان محلی عملکرد اجتماعی در بافت قدیمی و ارگانیک شهرهای ایرانی دارد. در این خیابانها، پیاده برای گذر از خیابان نسبت به سواره اولویت دارد (فجر توسعه، ۱۳۸۵: ۲۴). بعلاوه خیابان و کوچه های محلی می توانند با عرض های مختلف در بافت ارگانیک نواحی روستایی ایران دیده شوند. این تفاوت، اهمیت خیابان را از نظر عملکردی به منظور افزایش احساس امنیت پیاده آشکار می سازد (سعیدی، ۱۳۸۴: ۱۰۲). اگرچه خیابان باید اولویت پیاده و حریم خصوصی محله براساس فرهنگ ایرانی را فراهم آورد اما خیابان های باریک همچنان می تواند ایمنی پیاده و سواره را تهدید نماید(پاکزاد، ۱۳۸۶: ۲۳).

نتایج به دست آمده از بخش تحلیل نشان می دهد، ۹۹٪ پاسخ دهندگان معتقدند که خیابان باریک بر ادراک آنها از احساس امنیت در خیابان اثرگذار است. به هر حال اکثریت آن دسته از پاسخگویان (۵۲٪) اشاره کرده اند که خیابان باریک تاثیر منفی کمی بر احساس امنیت در خیابان دارد. از طرف دیگر نتیجه به دست آمده از فرضیه سازی در ارتباط با خیابان باریک و احساس امنیت آشکار می سازد که رابطه ی غیرمستقیم و همبستگی ضعیفی بین این دو متغیر وجود دارد. به هر حال، سطح اطمینان ۹۶٪، دلالت بر رابطه ی معنادار بین عرض خیابان و دلایل احساس امنیت پاسخ دهندگان دارد و H_1 را مورد تایید قرار می دهد. در نهایت، این پژوهش به شکل قوی بر نتایج ادبیات نظری درباره تاثیر منفی خیابان باریک بر ایمنی سواره و پیاده به طور خاص در بستر روستاهای مستحیل در شهرهای ایرانی تاکید می کند.

۸-۵-نفوذپذیری

کوچه های فرعی در شهرهای ایرانی، دسترسی سواره را با توجه به حریم خصوصی محله فراهم نمی کند. بیشتر بن بست ها فقط دسترسی پیاده را به واحدهای محله ای فراهم می نمایند (فجر توسعه، ۱۳۸۵: ۲۵). بعلاوه Hiller (۲۰۰۸) یادآور شده

است، کوچه های فرعی غیرفعال فرصتی برای سایر افراد سودجو ایجاد می نماید که می تواند ایمنی محله را کاهش دهد. همچنین بیشتر راه ها در نواحی روستایی ایران به منظور فراهم نمودن دسترسی برای پیاده ها شکل گرفته است. بنابراین تعداد زیاد کوچه ها در این نواحی به طور مستقیم تاثیر منفی بر احساس امنیت می گذارد (سعیدی، ۱۳۸۴: ۱۰۳). برخلاف آنچه در ادبیات نظری به آن اشاره شد، در تحلیل توصیفی، قریب به نیمی از پاسخ دهندگان اشاره نموده اند که کوچه های فرعی تاثیر منفی کمی بر احساس امنیت خیابان دارد. بعلاوه نتیجه آزمون آماری همبستگی آشکار می سازد که رابطه ی شاخصی بین عامل تعداد کوچه های فرعی و دلایلی که پاسخ دهندگان احساس ایمنی و امنیت در مکان بیان می نمایند، وجود ندارد، لذا H_0 مورد تایید قرار می گیرد.

به طور خلاصه، براساس مطالعات آماری از میان مولفه های کالبدی فقط عقب نشینی و جلوآمدگی و عرض خیابان رابطه غیر مستقیم قابل ملاحظه ای با احساس امنیت دارند. اگرچه تاثیر منفی متغیر عقب نشینی و جلوآمدگی در بافت از متغیر عرض خیابان بیشتر است. بعلاوه براساس گذشته تاریخی و فرهنگی محله آبکوه، ویژگی های کالبدی این محله شبیه به بافت های روستایی در ایران است. همانطور که در بالا اشاره شد، ایمنی در نواحی روستایی ارتباط بیشتری با بافت کالبدی و فرم نسبت به سایر جنبه های تاثیرگذار بر احساس امنیت دارد. بنابراین از نتایج دریافت می شود که عامل عقب نشینی و جلوآمدگی مرتبط ترین متغیر به احساس امنیت در خیابان است در حالیکه عرض کم خیابان کمترین تاثیر منفی را بر احساس امنیت در خیابان می گذارد.

با توجه به نتایج پژوهش حاضر در راستای افزایش احساس امنیت در محله آبکوه پیشنهاداتی ارائه می گردد که شامل موارد زیر می شود:

- در نظر گرفتن نیازهای زنان در طراحی فضای شهری به شکلی که تقویت کننده حضور آنان به فضاها
- طراحی شبکه خیابان به منظور افزایش امکان حرکت مردم در ساختار شهری یکپارچه و در نهایت بازدهی محله
- طراحی شبکه های بهم پیوسته و شطرنجی خیابان در راستای افزایش ایمنی پیاده در برابر سواره
- ارتباط حداقل دو یا چند خیابان از مرکز محله به لبه های آن جهت سهولت دسترسی از محله به مناطق مجاور
- طراحی شبکه ای نفوذپذیر و خوانا از خیابان ها به منظور فراهم آوردن ایمنی پیاده و دسترسی راحت همه استفاده کنندگان به محله
- تجهیز و ساماندهی عقب نشینی های موجود در بافت به منظور افزایش احساس امنیت
- افزایش نظارت عمومی از طریق تشویق مردم به ماندن در فضاهای عمومی
- تقویت امکان پیاده روی و دوچرخه سواری درمسیرهایی با قابلیت رویت زیاد
- ایجاد موانعی برای محدود سازی سرعت حرکت وسایل نقلیه در طراحی خیابان

کتابنامه

احسانی فرد، علی اصغر؛ شعاعی، حمیدرضا؛ مالکی شجاع، کیانا (۱۳۹۲). ارزیابی میزان احساس امنیت شهروندان در شهرهای جدید، مورد پژوهی: شهر جدید اشتهارد. دوفصلنامه مدیریت شهری، (شماره ۳۱)، صص ۳۱۷-۳۳۴.

احمدی، محمد؛ کلدی، علیرضا (۱۳۹۱). بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان در شهر سنندج و عوامل اجتماعی موثر برآن. فصلنامه علمی – پژوهشی زن و جامعه، سال سوم، (شماره چهارم)، صص ۱-۱۹.

افشانی، علیرضا؛ ذاکری هامانه، راضیه (۱۳۹۱). مطالعه تطبیقی میزان احساس امنیت اجتماعی زنان و مردان ساکن شهر یزد. زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۰، (شماره ۳)، صص ۱۴۵-۱۶۲.

بحرینی، سید حسن (۱۳۸۶). تحلیل فضای شهری. انتشارات دانشگاه تهران.

پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۶). مقدمه ای بر طراحی شهری در ایران. وزارت مسکن و شهرسازی.

تاجران، عزیزالله؛ کلاکی، حسن (۱۳۸۸). بررسی تاثیر عملکرد پلیس بر احساس امنیت شهروندان تهرانی. فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال چهارم، (شمارهٔ ۴)، صص ۵۶۱-۵۸۶.

جمالی، هاجر؛ شایگان، فریبا (۱۳۹۰). نقش تاکسی بی سیم بانوان بر احساس امنیت زنان تهرانی. فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال ششم، (شمارهٔ ۱)، صص ۹۵-۱۱۴.

جهانشاهی، محمدحسین (۱۳۸۸). شهر و زنان. فصلنامه جستارهای شهرسازی، سال هفتم، (شماره ۲۴-۲۵)، صص ۲-۵.

حسنوند، اسماعیل؛ حسنوند، احسان (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی جوانان (مطالعه موردی شهرستان سلسله). فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، سال چهارم، (شماره ۴)، صص ۵۷-۸۰.

حسینیون، سولماز (۱۳۸۶). ایجاد حس امنیت در فضای شهری. فصلنامه شهرداریها، سال هشتم، (شماره ۸۲)، صص ۸۷-۹۰.

کمالی؛ ماندانا (۱۳۹۰). طراحی شهری در راستای دستیابی به امنیت شهری. جستارهای شهرسازی، (شماره ۳۶)، صص ۷۲-۷۷.

ذوقی تنکابنی، مهرنوش (۱۳۸۸). طراحی فضاهای معماری و شهری با تکیه بر نیازهای زنان، همایش زن و معماری، آموزشکده فنی حرفه ای دخترانه سما – تهران.

زارع شاه آبادی، اکبر؛ ترکان، رحمت اله (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان شهر یزد. فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، سال چهارم، (شماره ۲)، صص ۱۳۳-۱۵۶.

سعیدی، (۱۳۸۴). امنیت در مناطق روستایی. فصلنامه مسکن و محیط روستایی، (شماره ۱۱۰).

سعیدی رضوانی، هادی (۱۳۸۵). تطور روستاهای دیروز در شهرهای امروز، گونه ای نوپدید از اسکان غیر رسمی؛ مورد قلعه آبکوه مشهد. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، (شماره ۸۲) ،ص ۶۴ تا ۸۲.

صدیق سروستانی، رحمت اله؛ نیمروزی، نوروز (۱۳۸۹). بررسی ارتباط بین مشارکت درروابط همسایگی و احساس امنیت در محلات شهر مشهد. فصلنامه دانش انتظامی، سال دوازدهم، (شماره ۲)، صص ۱۸۵-۲۲۰.

مدیری، آتوسا (۱۳۸۵). جرم، خشونت و احساس امنیت در فضاهای عمومی شهر. فصلنامهٔ علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، (شماره ۲۲)، صص ۱۱-۲۸.

مهندسین مشاور فجر توسعه (۱۳۸۵). اصول طراحی شهری در ایران.

مهندسین مشاور نقش آذین شهر (۱۳۸۶). طرح راهبردی بهسازی – نوسازی محله آبکوه مشهد. گزارش مرحله اول.

منصور فر، کریم (۱۳۷۴). روش های آماری. انتشارات دانشگاه تهران.

نبوی، عبدالحسین؛ حسین زاده، علی حسین؛ حسینی، هاجر (۱۳۸۹). بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی. جامعه شناسی کاربردی، سال بیست و یکم، (شماره ۴)، صص ۷۳-۹۶.

هزارجریبی، جعفر؛ حامد، محبوبه (۱۳۹۱). رابطه ی اعتماد اجتماعی و احساس امنیت در میان شهروندان تهرانی. فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، (شماره ۱۲)، صص ۳۱-۵۷.

هزار جریب ، جعفر؛ صفری شالی، رضا (۱۳۸۸). بررسی رضایت از زندگی و جایگاه احساس امنیت در آن (مطالعه در بین شهروندان تهرانی، فصلنامهٔ علمی - پژوهشی انتظام اجتماعی، سال اول، (شماره ۳)، صص ۷-۲۸.

Commission, N. G. s. C. (2010). Crime Prevention through Environmental Design.

Crime Prevention Victoria & Department of Sustainability and Environment. (2005). Safer Design Guidelines for Victoria.

Oakland Police Department. (2010). Crime Prevention through Environmental Design (CPTED) Security Handbook. Department of Sustainability and Development, Neighborhood Services Division, Oakland, CA 94612

Gehl, J. (2000). Public spaces public life Sydny.Urban Quality Consultant.

Greene, M. (2003). Urban safety in residential areas: spatial variables in crime and feeling of (in) security. 4th international Space Syntax Conferences, London

Greene, M., & Greene, R. (2003). Urban safety in residential areas Global spatial impact and local self-organising processes. 4th International Space Syntax Symposium, London

Hiller, B., & Sahbaz. O. (2008). An evidence based approach to crime and urban design. Bartlett School of Graduate Studies, University College London

Hopkins, J. (2002). Urban safety: public policies and urban planning approaches. 32nd Annual Conference International Fellows in Urban Studies Program.

Kimber, M. (2009). Wigan local development framework CSPO. Community Safety & Neighbourhood Quality, Wigan Council.

Lawrence, L., & NCSN. (2006). National Community Safety Network Community Safety The English Experience. National Community Safety Network.